نگاه خارجی

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

آمریکا باید با ایران گفت‌وگو کند

با ادامه جنگ میان اسرائیل و حماس و تلفات انسانی وحشتناک برای غیرنظامیان غزه، ایالات متحده به حمایت بی‌دریغ خود از اسرائیل ادامه می‌دهد؛ به این معنا که نه‌تنها به اسرائیل سلاح می‌فرستند و از آن در برابر انتقادات سازمان ملل محافظت می‌کند، بلکه به‌دنبال تقویت بازدارندگی در برابر آنچه «محور مقاومت» نامیده می‌شود، شامل ایران و متحدانش در لبنان، سوریه، عراق و یمن است. اقدامات ایالات متحده برای نشان دادن همبستگی با اسرائیل قابل درک است؛ با این حال، تا زمانی که این حمایت با یک استراتژی دیپلماتیک معتبر به دنبال ثبات در خاورمیانه تکمیل نشود، نه‌تنها هیچ سودی برای آمریکا به همراه ندارد، بلکه برعکس، خطر گرفتار شدن واشنگتن را در یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر خواهد داشت. برای جلوگیری از چنین سناریوی وحشتناکی، واشنگتن باید علاوه‌بر تماس‌های موجود در منطقه، یک کانال مستقیم به تهران راه‌اندازی کند و به دنبال گفت‌وگوهای جدی در مورد آینده نه‌تنها غزه و فلسطین، بلکه در کل خاورمیانه باشد. از زمان شروع جنگ در ۷ اکتبر، پس از حمله حماس به اسرائیل، آمریکا از طریق طرف ثالث، نسبت به گسترش جبهه علیه اسرائیل، چه به‌طور مستقیم و چه از طریق متحدان، به ایران هشدار داد. برای بازدارندگی ایران، بایدن یک زیردریایی تهاجمی به علاوه دو ناو هواپیمابر جنگی و سایر تجهیزات نظامی را به خلیج‌فارس فرستاد که بلافاصله پس از حمله حماس به منطقه اعزام شده بودند. طبق معمول، تهران ترکیبی از ایدئولوژی و پیگیری عملگرایانه منافع ملی را ارائه می‌دهد. مقام‌های ارشد، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، ضمن ابراز حمایت کامل از حماس، به صراحت تأکید کردند که ایران هیچ نقش عملیاتی در حمله ۷ اکتبر نداشته است. تهران اصرار دارد که «جبهه مقاومت» در اقدامات خود علیه اسرائیل و آمریکا دارای خودمختاری است. این واقعیت که ایران تاکنون مجبور به اقدام محدود شده است، دریچه‌ای از فرصت را برای دیپلماسی جسورانه و خلاقانه در طرف ایالات متحده باز می‌کند. یک تلاش دیپلماتیک واقعی باید فراتر از ارسال هشدار به تهران از طریق اشخاص ثالث مانند قطر، عمان یا عراق باشد. این تلاش باید شامل گفت‌وگوهای مستقیم نه‌تنها در مورد چگونگی پایان دادن به جنگ در غزه، بلکه همچنین خطوط کلی نظم گسترده‌تر در خاورمیانه باشد. با توجه به دشمنی ریشه‌دار بین ایالات متحده و ایران، ممکن است به نظر سخت بیاید. با این حال، همانطور که استفان والت، محقق روابط بین‌الملل به ما یادآوری می‌کند، برخی از ریشه‌های وضعیت کنونی را می‌توان در کنفرانس صلح مادرید درباره خاورمیانه در سال ۱۹۹۱ و توافق‌های اسلو در مورد فلسطین دنبال کرد. در حالی که رئیس‌جمهور وقت، جورج بوش دیلیو بوش و جیمز بیکر، وزیر امور خارجه‌اش، برای برقراری صلح در خاورمیانه تلاش می‌کردند، والت به یک نقص مهلک در روند مادرید/اسلو اشاره می‌کند: کنار گذاشتن ایران و کل جبهه «درگیری» از بحث‌ها. از آنجایی که ایالات متحده و متحدانش به گام‌های بعدی خود فکر می‌کنند، باید از تکرار همان اشتباه مهلک خودداری کنند. هزینه‌های عدم رابطه بین واشنگتن و تهران فبلاً با حملات تقریباً روزانه شبه‌نظامیان شیعه در سوریه و عراق به دارایی‌های نظامی ایالات متحده در این کشورها برجسته شده است. ایالات متحده در آنچه که ادعا می‌کند؛ حملات دفاع از خود؛ علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است، تلافی می‌کند. در غیاب مسیر دیپلماتیک معنادار و سازوکارهای کاهش تنش، این مبادلات به‌راحتی می‌تواند از کنترل خارج شده و به یک رویارویی نظامی مستقیم بین ایالات متحده و ایران منجر شود. ایالات متحده باید این ارتباط مجدد منطقه‌ای را تشویق کند و گفت‌وگوی مستقیم خود را با ایران برقرار کند. اثرنانیو-تقسیم دقیق منطقه به میانه‌روها (مانند عربستان سعودی، امارات، مصر و اردن) و منحرف‌ها (ایران و متحدان و نیروهای نیابتی‌اش)- امتحان شده و به طرز افتضاحی شکست خورده است. پیامدهای این شکست به‌طرز غم‌انگیزی در غزه نمایش داده می‌شود. برقراری گفت‌وگوهای دیگر ایالات متحده و متحدانش به گام‌های بعدی خود فکر می‌کنند، باید از تکرار همان اشتباه مهلک دو